

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۱۳

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال یازدهم، شماره ۴۱، بهار ۱۳۹۶

راهبرد امام مهدی علیه السلام در برخورد با مخالفان اسلام

مرتضی عبدی چاری^۱

محمود ملکی راد^۲

چکیده

باور به ظهور امام مهدی علیه السلام در آخرالزمان، از آموزه‌های مهم اسلامی به شمار می‌رود. با ظهور آن حضرت، اسلام در سراسر گیتی گسترش می‌یابد و بر سایر ادیان غالب و حاکم می‌شود. در این راستا، کیفیت تعامل اسلام با ادیان دیگر در عصر ظهور و حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام، از ابعاد مختلف اهمیت دارد. بررسی این امر، نیازمند تحقیق و پژوهشی بنیادین است؛ زیرا با توجه به فراگیری دین اسلام در جهان از یک سو، دلالت برخی از آیات قرآن کریم مبنی بر وجود دشمنی و کینه بین یهودیت و مسیحیت تا روز قیامت، از سوی دیگر و دلالت برخی از روایات اسلامی مبنی بر نابودی همه ادیان در عصر ظهور و تشکیل حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام، از سوی سوم، پاسخ‌گویی به برخی سؤال‌ها در این زمینه را ضروری می‌نماید؛ پرسش‌هایی از این دست که آیا در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام همه ادیان حضور دارند؟ و در صورت حضور، تعامل اجتماعی و سیاسی ادیان با یک‌دیگر و نیز با اسلام و حکومت حضرت مهدی علیه السلام چگونه خواهد بود؟

جمع‌بندی و بیان رفع تعارض بین این دو دسته از دلایل و همچنین تبیین خط‌مشی حضرت مهدی علیه السلام درباره تعامل با یهود و نصاری، از جمله موضوعات این نوشتار است.

واژگان کلیدی

تعامل، استراتژی، عصر ظهور، امام مهدی علیه السلام، ادیان.

۱. دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی و محقق پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

قم (نویسنده مسئول) (abdichari@gmail.com).

۲. استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم.

مقدمه

پژوهش حاضر درباره تعامل و چگونگی برخورد حضرت مهدی علیه السلام با یهود و نصاری در عصر ظهور است. این نوشتار درصدد اثبات این فرضیه است که همه ادیان در آغاز حکومت امام مهدی علیه السلام باقی خواهند ماند و با ارشاد و راهنمایی حضرت و یارانش و نیز امدادهای غیبی که در روایات آمده است، به اختیار خود اسلام می‌آورند.

درباره کیفیت برخورد حضرت مهدی علیه السلام، سه نظریه وجود دارد:

دیدگاه نخست بر این است که اگرچه همه ادیان در آن زمان وجود دارند، قدرت غالب برای اسلام است. از این رو، تمام ادیان زیر پرچم اسلام به زندگی مسالمت‌آمیز خود ادامه خواهند داد. بسیاری از طرفداران این نظریه، علمای شیعه هستند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ج ۲، ۱۷۴؛ استرآبادی، ۱۴۰۹: ۶۶۳؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ج ۵، ۳۶۷، ح ۱۰۶۹۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۲۳۱؛ ابن الصباغ، ۱۴۱۸: ج ۲، ۱۱۳۳-۱۱۳۵؛ بغدادی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۳۵۴؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴: ج ۴، ۳۱۹).

دیدگاه دوم به بحث از جنگ و خون‌ریزی حضرت می‌پردازد و مسئله غلبه، هم‌راه با قهر را مطرح می‌کند. بیشتر طرفداران این قول، علمای اهل سنت هستند^۱ (عقدالدور، ۱۴۱۶: ۱۸۹؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸: ج ۷، ۵۱)؛ اگرچه از طریق اهل بیت علیهم السلام نیز روایاتی در کتاب‌های شیعه ذکر شده است که برخی از آنها صحیح و برخی دیگر از جهت سند یا متن اشکالاتی دارند و یا با روایاتی دیگر در تعارض اند (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۴۸؛ مازندرانی، بی‌تا: ج ۲، ۴۰۸؛ اردبیلی غروی، بی‌تا: ج ۱، ۱۲۴ و ج ۲، ۱۵۰؛ کشی: ۱۳۴۸: ۲۲۹).

و اما دیدگاه سوم (نظر برگزیده) این است که ادیان مدتی در عصر ظهور باقی می‌مانند و سپس پیروان آنها با دلایل روشن امام و یارانش، به اسلام خواهند گروید.

نظریه اول: بقای ادیان در کنار اسلام

طرفداران این نظریه به روایاتی از حضرات معصومین علیهم السلام استناد می‌کنند. این روایات به دو دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول: روایاتی که به پرداخت جزیه اختصاص دارد. در میان این روایات، تنها دو

۱. بیشتر روایاتی که از طریق عامه نقل شده است، مشکل سندی دارد؛ به گونه‌ای که بعضی از آنها مرسل و برخی نیز از افرادی مانند کعب الاحبار - که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله مسلمان نبوده و مورد اعتماد نیستند - نقل شده است. عمده این روایات از اسرائیلیات است که با غرض‌های مختلفی وارد کتب روایی شده‌اند.

حدیث درباره آخرالزمان است. روایت اول را ابابصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که حضرت به وی فرمودند:

«ای ابو محمد! گویا من فرود آمدن قائم را با کسان و بستگانش در مسجد سهله می بینم... عرض کردم: «با کافران ذمی چه می کند؟» فرمود: «مانند پیغمبر صلی الله علیه و آله با آنها صلح می کند و آنها نیز با کمال ذلت به وی جزیه می دهند.» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۱۳۵، ح ۷).

سند این روایت که در کتاب *المزار الکبیر* نقل شده، مرسله است. روایت دوم از امیرالمؤمنین علیه السلام است. حضرت در بیانی طولانی، به سیره و اقدامات حضرت مهدی علیه السلام می پردازد و می فرماید:

... پس پادشاه روم نماینده ای را به سوی امام مهدی علیه السلام می فرستد و از او درخواست صلح می کند و حضرت از او جزیه مطالبه می کند و پادشاه روم به ایشان جواب مثبت می دهد... (یزدی حایری، ۱۴۲۲: ج ۲، ۱۷۰).

این روایت هم مانند روایت پیشین، مرسله است و از نظر سند، ضعیف است. از این رو، استناد به چنین روایتی محل تردید است.

در کتب روایی، روایت دیگری که پرداخت جزیه را در آخرالزمان ثابت کند، یافت نشده است. بنابراین، پرداخت جزیه در آخرالزمان ثابت نخواهد شد. افزون بر آن که روایات مشهور دیگری، بر برداشته شدن جزیه در دوران ظهور دلالت دارند (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۶۶۳؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ج ۵، ۳۶۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۲۳۱؛ ابن الصباغ، ۱۴۱۸: ج ۲، ۱۱۳۳-۱۱۳۵؛ بغدادی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۳۵۴).

مجلسی در بحار و کتب دیگرش ذیل روایت جزیه می گوید:

«قول امام که فرمود: "أَوْ يُوَدَّى الْجِزْيَةَ" شاید گرفتن جزیه مربوط به اوایل حکومت حضرت باشد که اگر چنین نباشد، با ظاهر اخبار مخالفت دارد و آن ظاهر این است که حضرت جزیه نمی پذیرد» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۶، ۱۶۰).

صاحب ریاض الأبرار نیز به همین مضمون اشاره کرده است (جزایری، ۱۴۲۷: ج ۳، ۱۹۶). بنابراین، روایات جزیه با ظاهر بسیاری از روایاتی که بر برداشته شدن جزیه با لفظ «يَضَعُ الْجِزْيَةَ»، دلالت دارد و نیز همه روایاتی که دال بر عدم حضور ادیان حتی یهودیت و مسیحیت در زمان برپایی حکومت عدل مهدوی است، مخالفت دارد (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۶۶۳؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ج ۵، ۳۶۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۲۳۱؛ ابن الصباغ، ۱۴۱۸: ج ۲، ۱۱۳۳-۱۱۳۵).

بغدادی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۳۵۴). پس اولاً، حکم جزیه نسخ نشده، بلکه موضوع آن منتفی است؛ و ثانیاً، جزیه مربوط به پیش از استقرار حکومت است و پس از آن فرقه‌ای وجود ندارند تا جزیه دریافت شود.

دسته دوم: روایاتی که به قضاوت حضرت با کتب ادیان اشاره دارد. با این بیان که باید ادیانی در آن زمان باشد تا حضرت براساس دین‌شان قضاوت کند. در این میان به روایاتی برمی‌خوریم که وجود ادیان را با کنایه و قرینه ثابت می‌کند؛ مانند روایتی که بر حکم و قضاوت حضرت با کتب ادیان مختلف و براساس دین آنها دلالت دارد. این روایت را نعمانی در الغیبه و صدوق در علل الشرایع (صدوق: بی‌تا، ج ۱، ۱۶۱، ح ۱۲۹) با یک مضمون و با تفاوتی اندک بیان نموده‌اند. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

مهدی برای این «مهدی» نامیده شده که به امری پنهان هدایت شده و تورات و سایر کتب (آسمانی) خدای عزوجل را از غاری در انطاکیه بیرون می‌آورد و میان اهل تورات (یهود) با تورات و میان اهل انجیل با انجیل و بین اهل زبور با زبور و میان مسلمانان با قرآن حکم می‌کند (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۸).

اگرچه در سند این روایت شخص معروفی مانند حسن بن محبوب قرار دارد، اکثر راویان آن مثل محمد بن یحیی و حسان رازی و محمد بن علی صیرفی، ضعیف هستند. با چشم‌پوشی از ضعف سندی، این گونه فهمیده می‌شود که حضرت این کتاب‌ها را به عنوان معجزه و اثبات بیان حقانیت خویش از غار انطاکیه بیرون می‌آورد؛ در حالی که حضرت برای حکم نمودن، به بیرون آوردن کتب نیازی ندارد و از علم خود می‌تواند حکم کند. از این روست که در طول تاریخ، انبیا و اوصیا با بیان کتب تحریف نشده آنها، صاحبان ادیان را مسلمان و حقانیت خود را ثابت می‌کردند. بنابراین، در آخرالزمان که عقل‌ها تکمیل شده است، صاحبان ادیان با دیدن این حجت بزرگ، به اسلام روی می‌آورند.

صاحب ریاض الأبرار (جزایری، ۱۴۲۷: ج ۳، ۱۹۶) در تأیید این مسئله، به روش یهود و نصاری اشاره کرده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را با کتاب خودشان، امتحان می‌کردند؛ زیرا آنان می‌دانستند که پیامبر آخرالزمان باید به کتاب و آیین آنها مسلط باشد.

لذا حضرت در مقام اثبات حقانیت خود، به این موارد از جمله حکم و قضاوت براساس دین و کتاب آنان استمساک می‌کند و معنا ندارد کتابی را از یهودیت و مسیحیت بیاورد و تجویز و تأیید نماید که آنان در دین خود ثابت قدم باشند! در قرآن کریم و کلام اسلامی نیز ثابت شده است که تمام پیامبران در یک مسیر حرکت می‌کردند و دینشان اسلام بوده است. بنابراین

آن چه معقول به نظر می‌رسد، آوردن این نمادها برای اثبات حقانیت خویش است و حضرت برای مسلمان کردن یهود و نصاری این کرامات را انجام خواهد داد.

نظریه دوم: از بین رفتن ادیان با غلبه نظامی

براساس برخی دیدگاه‌ها، امام زمان علیه السلام اهل کتاب و آن‌هایی را که با تبلیغات و روشنگری نظام مهدوی هدایت نشده و همچنان بر اعتقاد باطل و منحرف خود پای فشاری می‌کنند، از بین می‌برد؛ زیرا انسان‌ها به خاطر دو عامل نادانی و تعصب، دائماً در مقابل حق می‌ایستند و با آن به مبارزه و مقابله برمی‌خیزند. عامل نادانی، با روشنگری و معرفت بخشی از بین می‌رود و با آمدن آگاهی، انسان در برابر حق تسلیم و متواضع می‌شود؛ ولی عامل تعصب، نه تنها با علم و آگاهی از بین نمی‌رود، هرچه روشنگری و هدایت گری بیشتر شود، فرد متعصب بیشتر در باورهای غلط و باطل خود غوطه‌ور شده و به آنها دل بستگی پیدا می‌کند؛ زیرا مشکل معرفتی ندارد، تا با آگاهی بخشی برطرف شود، بلکه مشکل او جمود است.

در این زمینه، چهار دسته روایت وجود دارد:

دسته اول: براساس برخی روایات، امام مهدی علیه السلام آنان را میان قتل و اسلام مخیر می‌کند.^۱ به نظر می‌رسد این روایات - بر فرض صحت سندی - اولین برخورد امام با اهل کتاب نخواهد بود؛ چرا که:

اولاً، براساس حکم عقل و تعالیم اسلام، قتل اهل کتاب پس از عرضه اسلام و تمام شدن حجت بر آنهاست و تا زمانی که اسلام بر آنها عرضه نشده و حقانیت اسلام و امام برای ایشان آشکار نشده است، کشتن آنها جایز نخواهد بود؛ چراکه اصل اولیه اسلام در مواجهه با دیگران، تلاش برای هدایت آنهاست و جنگ و درگیری نیز برای اصلاح آدمیان است. قتل و جنگ، منحصر به مواردی است که امیدی به اصلاح نیست. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا به سوی «یمن» اعزام داشت و فرمود: «ای علی! با کسی جنگ نکن مگر این که نخست او را به آیین اسلام دعوت کنی. به خدا سوگند، اگر خداوند به

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: ... لَا يَأْتُونَ عَلَى أَهْلِ دِينٍ إِلَّا دَعَوْهُمْ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى الْإِسْلَامِ وَ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وَ مَنْ لَمْ يُسْلِمِ قَتَلُوهُ حَتَّى لَا يَبْقَى بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ مَا دُونَ الْجَبَلِ أَحَدٌ إِلَّا أَقْرَبَ (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ۴۹۲).

عن ابن بكير قال سألت أبا الحسن عليه السلام قال: أنزلت في القائم عليه السلام إذا خرج باليهود و النصارى و الصابئين و الزنادقة و أهل الردة و الكفار في شرق الأرض و غربها فعرض عليهم الإسلام فمن أسلم طوعاً أمره بالصلاة و الزكاة و ما يؤمر به المسلم و يجب لله عليه و من لم يسلم ضربت عنقه (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۸۳، ح ۸۲).

فی الحدیث آن عیسی علیه الصلاة و السلام بنزل علی ثنیة بالأرض المقدسة: یقال لها أقیق و علیه مصرتان، ... ثم یقتل الخنازیر و یکسر الصلیب و یخرب البیع و الكنائس، و یقتل النصارى إلا من آمن به (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۴، ۲۶۱).

دست تو يك نفر را هدایت کند، برای تو بهتر است از آن چه آفتاب بر آن می‌تابد، و تو بر چنین کسی حق ولایت و سرپرستی داری (عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۵، ۴۳، ح ۱۹۹۵۱).

انسان‌ها فطرتی خداجوی و حق طلب دارند؛ بنابراین، غالب انسان‌های منحرف، مشکل عدم آگاهی و معرفتی دارند. به بیان دیگر، عامل مهمی که سبب انحراف و گم‌راهی آنان از دین حق شده، نادانی و جهل است. هنگامی که نظام جهانی مهدوی با ابزار کارآمد، زمینه تعالی معرفت و شناخت مردم را فراهم کند و مردم به راحتی دین حق را از دین باطل بازشناسند، بدون تردید براساس فطرت حق‌طلبی به سوی دین حق گرایش پیدا کرده و آن را بر دین باطل ترجیح می‌دهند. در این میان، افراد کمی باقی می‌مانند که دارای شاخصه تعصب و جمود هستند. این افراد در مقابل هدایت‌ها و راهنمایی‌های نظام مهدوی، ایستاده و هیچ ابزار هدایتی نمی‌تواند آنها را هدایت کند. این جاست که امام زمان علیه السلام در مقابل چنین افرادی یک راه بیشتر ندارد و آن مبارزه است. حضرت نیز همین راه را انتخاب کرده و پس از اتمام حجت، به زندگی‌شان خاتمه می‌دهد (سعادت‌پور، ۱۳۷۹: ۱۹۳؛ صدر، ۱۳۸۴: ۵۱۷).

دسته دوم: در این نوع روایات، ائمه علیهم السلام بر عدم حضور یهود و نصارا در آخرالزمان تصریح می‌کنند.^۱ بنابراین، در آخرالزمان و در عصر طلایی حکومت حضرت، هیچ دینی باقی نخواهد ماند، مگر اسلام.

دسته سوم: این دسته از روایات وجود مشرکین و کفار را در آخرالزمان نفی می‌کند.^۲ در بعضی از این روایات آمده است که در آن دوره اگر کسی کافر یا مشرک باشد، کفر و شرک خود را از روی اکراه مخفی می‌کند و در مکانی پنهان می‌شود؛ در این حال اشیاء و موجودات عالم به

۱. عن أبي جعفر عليه السلام قال: ... فعند ذلك خروج قائمنا، فإذا خرج أسند ظهره إلى الكعبة و اجتمع إليه ثلاث مائة و ثلاثة عشر رجلا من أتباعه... فإذا اجتمع عنده العقد عشرة آلاف رجل فلا يبقى يهودى و لا نصرانى و لا أحد ممن يعبد غير الله إلا آمن به و صدقه و تكون الملة واحدة ملة الإسلام (ابن الصباغ، ۱۴۲۲: ج ۲، ۱۱۳۳-۱۱۳۵).

۲. عن جابر رضى الله عنه [رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم] فى قوله: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ قال: «لا يكون ذلك حتى لا يبقى يهودى و لا نصرانى صاحب ملة - إلا الإسلام» (بغدادى، ۱۴۱۵: ج ۲، ۳۵۴؛ سيوطى، ۱۴۰۴: ج ۳، ۲۳۱).

۳. عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ اللَّهُ «قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَأَفْئِكُمْ كَمَا يَقَاتِلُونَكُمْ كَأَفْئِكُمْ»، حَتَّى لَا يَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّهُ لَمْ يَجِئْ تَأْوِيلَ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا سَبْرَى مَنْ يَدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لِيَنْبَلُغَنَّ دِينُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وسلم مَا بَلَغَ اللَّيْلُ حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ كَمَا قَالَ اللَّهُ (عباشى، ۱۳۸۰: ج ۲، ۵۶، ح ۴۸؛ طبرسى، ۱۳۷۲: ج ۴، ۸۳۴).

۴. عن سماعة عن أبي عبد الله عليه السلام قال إذا خرج القائم لم يبق مشرك بالله العظيم ولا كافر إلا كره خروجه (عباشى، ۱۳۸۰: ج ۲، ۸۷، ح ۵۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۲، ۷۷۰، ح ۴۵۲۲).

۵. مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» فَقَالَ لَمْ يَجِئْ تَأْوِيلَ هَذِهِ الْآيَةِ بَعْدَ إِسْرَائِيلَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم... يُفْعَلُونَ حَتَّى يُوَحِّدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكٌ (كلبى، ۱۳۶۵: ج ۸، ۲۰۱، ح ۲۴۳).

کمک حضرت می‌آیند و مکان آن کافر و مشرک را بازگو می‌کنند.^۱

دسته چهارم: روایاتی که به صورت عام و مطلق از اعتلای اسلام در تمام کره زمین خبر می‌دهند و در متن روایت، نامی خاص از سایر ادیان و اهل کتاب به میان نیامده است؛ بلکه با الفاضی عام به ادیان دیگر اشاره شده است؛ مانند: «إِذَا خَرَجَ يُظْهِرُهُ اللهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ حَتَّى لَا يُعْبَدَ غَيْرُ اللهِ» (قمی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۳۶۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۵، ۳۶۷، ح ۱۰۷۰۱)؛ یا «لَا يَبْقَى فَرْزِيَّةٌ إِلَّا وَنُودِي فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ بُكْرَةً وَعَشِيًّا» (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۶۶۳؛ صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ۶۸، ح ۳۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹، ۴۲۰)؛ و یا «لَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَقَرَّ بِمُحَمَّدٍ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۸۷، ح ۵۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ۳۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۲، ۷۷۰، ح ۴۵۲)؛ و یا «لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِي فِيهَا شَهَادَةَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۸۳، ح ۸۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۱، ۶۵۰، ح ۱۷۷۸). البته الفاض عام دیگری هم مطرح شده است که مفسران در ذیل آیه «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» آنها را مطرح نموده‌اند.

با بررسی این روایات، این طور فهمیده می‌شود که حضرت در ابتدای حکومت، با صاحبان ادیان مواجه خواهند شد و به دو صورت با آنها برخورد خواهند کرد: یا با برهان و بینه است، چنانچه پیروان ادیان، معاند نباشند؛ و یا به صورت قهر و غلبه است، در صورتی که با وجود برهان قاطع، باز به پیروی از آیین باطل خود و دشمنی با حضرت ادامه دهند.

نظریه سوم: از بین رفتن ادیان با غلبه فکری و عقیدتی

نفوذ عقیدتی و فرهنگی اگر با قهر و غلبه همراه نباشد، زمان بر است و نیاز به مقدماتی دارد. از این رو، بایسته است فضای فرهنگی آخرالزمان، ترسیم و سیر پیشرفت اسلام و اقدامات امام مهدی علیه السلام در قانع کردن اهل ادیان بررسی شود:

دوره اول: فضای سیاسی - فرهنگی آخرالزمان و نزدیک به ظهور

در این مرحله جهان پراز التهابات و مخاطرات و ظلم‌های فراوان است. دادگستر جهان در زمانی ظهور خواهد کرد که مردم در بیداد و ستم به سر می‌برند و منتظر عدالت‌گستر و دادرس مهربان هستند.

۱. فَقَالَ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام: وَ اللهُ مَا أَنْزَلَ تَأْوِيلَهَا تَعُدُّ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ مَتَى يُنَزَّلُ قَالَ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ إِنْ شَاءَ اللهُ فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ وَلَا مُشْرِكٌ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّى لَوْ كَانَ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتِ الصَّخْرَةُ يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فَاقْتُلْهُ قَالَ فَيَتَخَيَّبُهُ اللهُ فَيَقْتُلُهُ (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۶۶۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۵، ۳۶۶، ح ۱۰۶۹۶).

در روایات شیعه و اهل سنت، نشانه‌هایی بیان شده است که همه آنها پیش از قیام حضرت اتفاق خواهد افتاد؛ البته این نشانه‌ها امکان وقوع حتمی ندارند و مقید و مشروط هستند که در صورت تحقق شرط و قید آنها، پدید می‌آیند؛ نشانه‌هایی مانند: مرگ و میرها، جنگ و آشوب‌های فراگیر، زلزله، خسوف و کسوف غیرعادی و نابهنگام، بارش باران‌های فراوان و... (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۵۰، ح ۵ و ۳۰۶، ۱۷۳ و ۲۳۵؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۲۵۱؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۴۶). این دوره، همان دوره طلایی پیش از ظهور است؛ دوره آماده‌شدن دل‌ها به ظهور منجی که عالم بشریت را از ظلم و بیداد نجات دهد. از این رو، مبحث جزیه و احکام اهل کتاب در صورت غلبه طبق سنوات قبل بر آنها حمل می‌شود؛ ولی این دوره به دلیل نیامدن حضرت مهدی علیه السلام موضوعاً از محل بحث خارج است.

دوره دوم: فضای سیاسی - فرهنگی هنگام ظهور

بی‌شک حضور امام زمان علیه السلام که دل‌های منتظران در انتظار آمدن وجود مقدس او می‌تپد و چشم به راه قدوم مبارك او هستند، بدون مقدمه و نشانه نخواهد بود. برخی از این نشانه‌ها یقینی است که از آن، به «نشانه‌های حتمی» تعبیر می‌شود و ائمه معصومین علیهم السلام در روایات شان آن را یادآوری کرده‌اند (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۶۴). این نشانه‌ها، به گونه‌ها و بیانات مختلف در کلام حضرات معصومین علیهم السلام وارد شده است.

روایت امام صادق علیه السلام، مهم‌ترین روایت در زمینه نشانه‌های حتمی ظهور است:

پنج امر پیش از قیام قائم علیه السلام از نشانه‌های حتمی ظهور به شمار می‌رود: صیحه، سفیانی، خسف در بیداء، خروج یمانی و قتل نفس زکیه (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۳۶، ح ۴۲۷).

این روایت با اندکی تفاوت در کتاب کمال‌الدین نیز آمده است. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۴۹). البته این نشانه‌ها بعضی در هنگام ظهور حضرت و برخی، پس از آن رخ خواهد داد. امام در مرحله ابتدایی ظهور، با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شود؛ گاهی معاندین و گاه اشخاص کم‌اطلاع با حضرت درگیر شده و باعث پراکندگی در آن دوره خواهند شد. طرح این مرحله از این جهت اهمیت دارد که حضرت مهدی علیه السلام باید فرصت مناسبی برای هدایت مردم پیدا کند؛ چراکه در این مرحله نیز بدون تردید تمام ادیان ابراهیمی در سراسر گیتی با افکار و آیین خاص خودشان وجود دارند و به فتنه‌گری ادامه می‌دهند.

از سویی، همان‌گونه که مردم صد سال قبل با انسان‌های امروز تفاوت دارند، مردان و زنان دوره ظهور نیز با مردم دوران غیبت از نظر فکری و عقلانیت بسیار متفاوت هستند. انسان‌های

عصر ظهور، امامی را در کنار خود دارند که با کشیدن دستان محبت و هدایت بر سر عباد خدا - که کنایه از شمول لطف و عنایت امام است - عقولشان به تکامل رسیده و فهم و درک آنها در پذیرش دین حق بالا می‌رود. امام در چنین جامعه‌ای، دین مبین اسلام و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به راحتی ابلاغ می‌کند. این مسئله مهم از بیانات ائمه معصومین علیهم السلام برداشت می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۵۲، ح ۱۰۶ و ۳۲۸، ح ۴۷؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۵۳ و ۶۷۵، ح ۳۱؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۸۴۰؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۱۰).

به بیان حضرت آیت‌الله العظمی جوادی آملی، بزرگ‌ترین معجزه حضرت این است که انسان را عاقل می‌کند؛ و هنگامی که بشر عاقل شد، عادل و عدل خواه می‌شود.^۱ در پرتو این رشد عقلی است که انسان حقیقت و باطن گناه را می‌بیند و دست از ظلم و ستم برمی‌دارد و هرگز حاضر نیست به گناه و معصیت روی آورد و از تمام مظاهر شرک، خود را رهایی می‌بخشد.

دوره سوم: فضای سیاسی - فرهنگی هنگام استقرار حکومت

در این دوره، حکومت جهانی امام آغاز خواهد شد؛ همان حکومتی که وعده الهی است؛ دوره‌ای که امنیتش جهانی است و همه جهان به سوی یک قبله نماز گزارده و عبادت می‌کنند، تمام مردم به سنت و دین پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نماز می‌گزارند، دنیایی که پر از نعمت‌های فراوان، از جمله نعمت وجود امام، نعمت منابع اقتصادی، نعمت انصاف و یک‌دلی، نعمت نبودن ظلم و ستم و نعمت‌های دیگر که در وصف نمی‌گنجد.

در این دوره، مسیحیان و یهودیان باقی مانده نیز با اختیار خود مسلمان خواهند شد و پس از این مرحله، دنیا به قیامت منتهی خواهد شد.

بنابراین، روایاتی که با الفاظ «لا نصرانیة ولا یهودیة» (حلی، ۱۴۰۴: ۱۷۹-۱۹۲) و یا با لفظ «الا دین» (حلی، ۱۳۷۰: ۱۹۵-۲۰۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۲۹۱) بر عدم وجود ادیان در آخرالزمان تصریح می‌کنند، اشاره به این دوره زمانی است.

برای روشن شدن مطلب، لازم است به شاخصه‌ها و ابزارهای حمایتی حضرت مهدی علیه السلام در اسلام آوردن مردم ممالک عالم، نگاهی گذرا بیندازیم:

۱. نقش حضرت عیسی علیه السلام در قانع کردن اهل ادیان

خداوند حضرت عیسی علیه السلام را به یاری آخرین ذخیره‌اش می‌فرستد تا عده زیادی از مسیحیان را - که شمارشان از تعداد همه ادیان بیشتر است - مسلمان نماید. با آمدن حضرت عیسی علیه السلام،

۱. ر.ک: نشریه انتظار، ش ۱۳، دیدار با آیت‌الله العظمی جوادی آملی.

مسیحیان دور او حلقه می‌زنند و گوش به فرمان او هستند. ناگاه - براساس لحن روایات اعم از شیعه و اهل سنت - همه می‌بینند که ایشان به طرف امام مهدی علیه السلام می‌روند و در حالی که حضرت مهدی علیه السلام برای نماز آماده می‌شوند، با دیدن عیسی علیه السلام عقب می‌روند و از آیین پیامبر الهی درخواست می‌کنند که امام جماعت شوند، ولی حضرت عیسی علیه السلام دست او را می‌گیرد و به طرف جلو هدایت می‌کند و می‌فرماید: «من در این جا به عنوان وزیر شما نازل شده‌ام، نه امیر.» در این زمان است که پیروان حضرت عیسی علیه السلام به همراه ایشان به دین پیامبر خاتم صلوات الله علیه نماز می‌گزارند (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۱۷۲-۱۷۳ و ۱۷۴-۱۷۵ و ۲۰۲؛ هندی، ۱۴۰۹: ج ۷، ۱۸۷؛ مناوی، ۱۴۱۵: ج ۶، ۱۷؛ شیبانی، بی تا: ج ۳، ۳۴۵ و ۳۶۷ و ۳۸۴؛ فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ج ۳، ۳۲۶). در این زمینه، روایات زیادی از هر دو طریق وارد شده است، که از نظر تعداد و مفهوم بسیار فراوان است.

یهودیان در کتاب آیینی خود، منکر وجود و نزول عیسی علیه السلام نیستند. از این رو، هنگام نزول حضرت، عده زیادی از آنها به ایشان می‌پیوندند. این مسئله، هم در کتب تفسیری و روایات اهل سنت (بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۱، ۳۹۹؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ج ۴، ۱۲۹-۱۳۱) و هم در منابع شیعه (ثمالی، ۱۴۲۰: ۱۵۰-۱۵۱، ج ۷۱؛ قمی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۵۸) وجود دارد. مفسران ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَبِیَوْمِ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا» به این مسئله توجه داشته‌اند که اگر دو ضمیر «به» و «موت» به عیسی علیه السلام برگردد، از آیه چنین برداشت می‌شود که هنگام نزول حضرت از آسمان، تمام مسیحیان، مسلمان خواهند شد. پس خداوند حضرت عیسی علیه السلام را زنده نگه داشت، تا در زمان نزولش حجت را برای مسیحیان تمام کند که ای پیروان مسیح و یهودیان! بدانید که آن عیسی که شما منتظرش بودید، نازل و عده خداوند محقق شده است. با وجود عیسی علیه السلام، که به همراه حجت و بینه نازل می‌شود، دیگر کسی نمی‌تواند عذری داشته باشد. از سوی دیگر، قرآن صراحت دارد در این که تمام اهل کتاب پیش از مرگ، به حضرت ایمان می‌آورند. بدون تردید، مراد از این موت، مرگ زمان احتضار نیست؛ چراکه بر ایمان حین احتضار، فایده‌ای مترتب نیست. بنابراین، عده بسیاری از اهل کتاب در زمان نزول حضرت ایمان می‌آورند و تعداد باقی‌مانده، طی مدت زمان کوتاهی با دین حقیقی آشنا و با اختیار خود مسلمان می‌شوند.

۲. اعجاز یا کرامات امام مهدی علیه السلام

با توجه به ناگهانی بودن ظهور حضرت مهدی علیه السلام و حیرت مردم در آن عصر، امام برای اثبات حقانیت خود همانند انبیای گذشته، معجزات و کراماتی را ارائه می‌کند؛ چراکه به

شهادت امام صادق علیه السلام ایشان عصاره همه انبیا و اوصیای پیش از خود است (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۳، ۹، ح ۱). در این باره احادیثی از معصومین علیهم السلام روایت شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید: هیچ یک از معجزات انبیا و اوصیا نیست، مگر این که خداوند مثل آن را در دست حضرت قائم ما قرار می دهد؛ برای اتمام حجت علیه دشمنان و فتنه انگیزانش (حر عاملی، ۱۴۲۵: ج ۳، ۷۰۰، ح ۱۳۷).

رجعت، نمونه ای از کراماتی است که در آخرالزمان روی خواهد داد و مردم از روی حس و واقع، رجعت کنندگان را خواهند دید. در واقعه عظیم رجعت، مردم شاهد خواهند بود که دشمنان اهل بیت علیهم السلام یکی پس از دیگری زنده خواهند شد و از سوی دیگر، یاران حضرت که از مؤمنین خاص و محض هستند نیز برای یاری آن حضرت رجعت می کنند. وقوع این معجزه یا کرامت، شک و تردیدی را که در دل برخی مردم و صاحبان ادیان وجود دارد از بین می برد؛ چرا که انبیا و اولیا علیهم السلام برای اثبات حقانیت خود از قوی ترین وسیله یعنی معجزه استفاده می نمودند؛ و این سیره در وجود خلف صالح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز به ودیعه گذاشته شده است. رجعت، از جمله معجزاتی است که این قابلیت را دارد تا تردید را از دل عده زیادی بزداید و مردم با اختیار خود دور حضرت جمع شده و مسلمان گردند.

۳. مواریت و کتاب های انبیای گذشته

حضرت مهدی علیه السلام به عنوان میراث دار پیامبران و اوصیا معرفی شده است. از روایات استفاده می شود که حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور، برخی میراث های پیامبران گذشته را هم راه خواهد داشت (جوینی خراسانی، ۱۴۰۰: ج ۲، ۳۳۵، ح ۵۸۷). برخی میراث ها که در روایات اشاره شده، عبارت است از: پیراهن (نعمانی، ۱۳۹۷: ج ۴۲، ۳۵۰)، عمامه و زره (کلینی رازی، ۱۳۶۵: ج ۸، ۲۲۴، ۲۸۵)، سلاح (نعمانی، ۱۳۹۷: ج ۳۴۹، ۴۰)، کلینی رازی، ۱۳۶۵: ج ۸، ۲۲۴، ۲۸۵؛ الهندی، ۱۴۰۹: ج ۳۹۶۷۳)، و پرچم پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم (نعمانی، ۱۳۹۷: ج ۳۴۳، ۲۸ و ۴۳۵، ح ۱)، سنگ (کلینی رازی، ۱۳۶۵: ج ۲۳۱، ح ۳)، و عصای حضرت موسی علیه السلام (کلینی رازی، ۱۳۶۵: ج ۲۳۱، ح ۱؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ج ۲۳۸، ح ۲۸؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۷۶، ح ۷)، طشتی که وی در آن قربانی می کرد (کلینی رازی، ۱۳۶۵: ج ۱، ح ۲۳۲)، انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام (کلینی رازی، ۱۳۶۵: ج ۱، ح ۲۳۱، ۱؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ج ۳۴۳، ح ۲۷)، کتاب معروف به کتاب علی علیه السلام (کلینی رازی، ۱۳۶۵: ج ۱، ح ۲۴۰، ۲)، جامعه و مصحف فاطمه علیه السلام (کلینی رازی، ۱۳۶۵: ج ۱، ح ۲۳۹، ۲)، پیراهن خونی امام حسین علیه السلام و انگشتری که دست به دست از تمام ائمه علیهم السلام به دست حضرت مهدی علیه السلام رسیده است.

امام علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین روایت می‌کند:

مهدی از فرزندانم، غیبت و حیرتی دارد که امت‌ها [در آن] گمراه شوند. او با ذخیره پیغمبران آید و زمین را از عدل و داد پر کند، چنان‌که از جور و ستم پر شده باشد (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۸۷، ۵).

نکته مهم این‌که خداوند با توجه به اخلاق یهودیان که به راحتی تن به استدلال‌های امام نخواهند داد، موارد خاصی را برای امام به ودیعه نهاد، تا جای تردید برای آن‌ها باقی نماند؛ مانند: تابوت سکینه (شافعی مصری، ۱۳۵۶: ۱۳۵)، تورات و انجیل (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۱۴۲-۱۴۵؛ طبری، بی‌تا: ۲۴۹) که یهودیان زیادی با دیدن تورات واقعی، به حضرت مهدی علیه السلام ایمان می‌آورند.

۴. نقش یاران حضرت مهدی علیه السلام در پیش برد اهداف حکومت مهدوی

یاران حضرت مهدی علیه السلام بهترین و محکم‌ترین پشتوانه حکومت جهانی هستند؛ داشتن یاران باوفا و استوار می‌تواند سرنوشت یک جامعه را تغییر دهد؛ یکی از دلایل مهم خانه‌نشین شدن اهل بیت علیهم السلام، کم‌بودن یاران با علم و درایت است. از این‌رو، نقش یاوران در حکومت و پیشرفت اهداف حضرت بسیار اهمیت دارد. ائمه معصوم علیهم السلام به مسئله یاران در آخرالزمان توجه ویژه‌ای داشتند. از روایات به دست می‌آید که حضرت سید و سیزده نفر یار ویژه دارد که امورات مهم و سرنوشت‌ساز را به آنها واگذار می‌کند و دیگر یاوران، تحت فرمان این یاران خاص هستند که حضرت را در استقرار حکومت جهانی یاری می‌بخشند.

با توجه به مطالب یادشده، یاران خاص حضرت ویژگی‌های منحصر به فردی دارند (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۴۹؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۱۵؛ کلینی رازی، ۱۳۶۵: ج ۸، ۲۹۴؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۸۳۹-۸۴۰؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۷۳) و سایر بندگان مخلص و متقی خدا نیز هم‌راه حضرت انجام وظیفه می‌کنند؛ با این تفاوت که یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام پیش از ظهور برگزیده شده‌اند و هنگام ظهور براساس روایات، آنها اولین کسانی هستند که به حضرت ملحق خواهند شد، برخلاف یاران عام حضرت که با پیشرفت دین اسلام، تعداد آنها افزایش می‌یابد. بدون تردید، چنین یارانی از نظر اعتقادی، روحی و جسمی می‌توانند در تبلیغ و پیشرفت دین کمک شایانی به حضرت نمایند و مردم را از انحراف در دین‌شان آگاه سازند.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم همه پیامبران الهی را از دین ساختگی مبرا می‌داند و به صراحت مطرح می‌کند که

همه آنها مسلمان بوده‌اند (آل عمران: ۱۹-۲۰ و ۶۷ و ۸۵). از این رو، در زمان استقرار حکومت حضرت مهدی علیه السلام تنها دین روی زمین اسلام است؛ چراکه امام مردم را به دین اصیل که مقبول همه پیامبران علیهم السلام است، دعوت می‌نماید.

مهم‌ترین عوامل گرایش و رغبت مردم جهان به اسلام را می‌توان چنین برشمرد:

۱. براساس تصریح روایات، اسلام بر سراسر جهان غلبه پیدا می‌کند؛ زیرا تمام وسایل ارتباط جمعی و تبلیغاتی در اختیار حضرت و یارانش قرار می‌گیرد و آن حضرت به صورت منطقی و گسترده، اسلام را در جهان تبلیغ خواهد کرد و مردم جهان با آگاهی و اختیار اسلام را خواهند پذیرفت. همچنین بنابر روایات ائمه علیهم السلام، حضرت مهدی علیه السلام و پیروانش در ابتدای امر، پیروان سایر ادیان را به خدا، اسلام و اقرار به نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم دعوت می‌کنند و پیش از مقابله نظامی، اسلام را بر یهود، نصارا، صابئین، ملحدان، مرتدان و کافران شرق و غرب جهان عرضه خواهد نمود.

۲. نفوذ کردار و رفتار حضرت، همانند سایر انبیا و اوصیاست. از این رو، صداقت در گفتار، منش، رفتار، نگاه محبت‌آمیز و رسیدگی به مردم، یکی دیگر از عوامل شیفتگی، ارادت و گرایش مردم به حضرت مهدی علیه السلام و اسلام است.

ساده‌زیستی، کرامت، گذشت، رأفت، رحمت و عبادت فراوان، از دیگر ویژگی‌های ممتاز حضرت مهدی علیه السلام است که تأثیر زیادی در جذب انسان‌ها به اسلام خواهد داشت.

۳. آن حضرت برای اثبات حقانیت خود و ابلاغ پیام و اتمام حجت، همانند پیامبران علیهم السلام بر مردم دنیا معجزه ارائه خواهد کرد. این عمل، پرتأثیرترین برنامه‌ای است که باعث گرایش عده بسیار زیادی از مردم و پیروان دیگر ادیان به اسلام خواهد بود؛ چراکه انجام این معجزات، در توان سایر افراد نیست.

۴. روایات از طریق شیعه و اهل سنت بر نزول و ظهور عیسی بن مریم علیه السلام در آخرالزمان و هنگام نماز خواندن حضرت مهدی علیه السلام به قدری است که در حتمیت آن جای هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای باقی نمی‌گذارد (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۱۷۲-۱۷۳ و ۱۷۴-۱۷۵ و ۲۰۲؛ هندی، ۱۴۰۹: ج ۷، ۱۸۷؛ مناوی، ۱۴۱۵: ج ۶، ۱۷؛ شیبانی، بی‌تا: ج ۳، ۳۴۵ و ۳۶۷ و ۳۸۴؛ فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ج ۳، ۳۲۶). او همان موعود مسیحیان است و وجودش در کنار امام مهدی علیه السلام از مهم‌ترین عوامل گرایش آنها به حضرت مهدی علیه السلام است. عیسی علیه السلام زمانی به یاری حضرت می‌آید که اهل کتاب شمار بسیاری را به خود اختصاص داده‌اند. وجود ایشان هم‌راه با بینه و خصوصاً نمازگزاردن پشت سر حضرت مهدی علیه السلام، افق تازه‌ای پیش روی اهل کتاب خواهد

گذاشت؛ چراکه وقتی می‌بینند پیامبرشان پشت سر شخصی دیگر به شیوه مسلمانان نماز می‌گزارد، به حقانیت اسلام و حضرت مهدی علیه السلام باور پیدا می‌کنند و عده کثیری بلکه تمام یهودیان و مسیحیان غیرمتعصب به حضرت مهدی علیه السلام ایمان خواهند آورد.

۵. علائم و سمبل‌های مقدس و محترم دین اسلام و سایر ادیان آسمانی، به عنوان میراث در دست حضرت مهدی علیه السلام است و با نشان دادن این علامت‌های مقدس، علاوه بر اثبات حقانیت خویش، ایمان مردم را راسخ‌تر و قوی‌تر می‌کند. این سمبل‌های مقدس مانند تابوت سکینه، خاتم سلیمان علیه السلام، عصا و حجر (سنگ) حضرت موسی علیه السلام، پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و... از علامت‌های مهم ادیان در کتاب‌های آسمانی‌شان است که حضرت با آوردن این سمبل‌های مقدس، حقانیت خویش را اثبات خواهد کرد و دل‌های مردم را همراه خود خواهد کرد.

۶. از دیگر عوامل تأثیرگذار در گرویدن جامعه به مهدی موعود علیه السلام، علم سرشار و فراوان حضرت است؛ علمی که از جانب خداوند عطا شده و حضرت از پاسخ دادن به هیچ سؤال کننده‌ای عاجز نمی‌ماند. مردان و زنان جامعه آن‌روز دیگر شبهه و سؤال بی‌پاسخی نخواهند داشت و حضرت با تواضع و فروتنی، هم‌راه با روشنگری کامل، پاسخ آنها را خواهد داد.

۷. یاران باوفای حضرت مهدی علیه السلام در سراسر جهان پخش شده و ندای اسلام و حقانیت دین را به گوش جهانیان خواهند رساند. به فرموده ائمه علیهم السلام، آنها افرادی مخلص، جوان، دارای روحیه جوان‌مردی و با توانمندی زیاد هستند. به فرموده امام صادق و امام باقر علیهما السلام «مردی از اصحاب او - امام مهدی علیه السلام - توانایی چهل مرد را دارد و قلب او از پاره آهن استوارتر است و اگر بر کوه‌های آهن بگذرند، آن را بر کنند.» این گروه در تمام مراحل با حضرت به تبلیغ دین می‌پردازند و مردم را از انحراف در دین‌شان آگاه می‌سازند.

۸. فرضیه مسلمان نشدن انسان‌های غیرمعاند، منتفی است؛ زیرا با توجه به پویایی جامعه، نمی‌توان شخص یا اشخاصی را یافت که بلا تکلیف زندگی کند و از سویی این تصور، قدرت نفوذ حضرت را در قلب‌های مردم زیر سؤال می‌برد. بنابراین، بر فرض وجود چنین شخص یا تفکری، بدون تردید دچار تعصبات بی‌مورد شده و خود را در ورطه هلاکت قرار می‌دهد.

پس از بررسی نظریات یادشده و روایات مطرح شده، به این نتیجه می‌رسیم که هیچ تعارض و تقابلی بین روایات نظریه اول و دوم، با روایات دیدگاه سوم وجود ندارد و قابل جمع خواهند بود؛ به این صورت که روایات نظریه اول و دوم مربوط به اوایل ظهور حضرت بوده و

روایات نظریه سوم، ناظر به زمان استقرار حکومت جهانی است. در این دوره، معرفت و آگاهی مردم و نیز عقل و عقلانیت آنها گسترش پیدا می‌کند و جهل و نادانی رخت برخواهد بست و وحدت عقیدتی و دینی با محوریت اسلام، محقق می‌شود. پس از استقرار حکومت جهانی و عدالت محور مهدوی، تمامی ادیان در مدت زمانی کوتاه مسلمان خواهند شد و به سوی یک قبله و به سنت نبی اکرم حضرت محمد ﷺ، خدای واحد را عبادت می‌کنند.

منابع

- ابن صباغ، على بن محمد احمد المالكي (١٤٢٢ق)، *الفصول المهمة في معرفة الأئمة* عليه السلام، بي جا، دارالحديث للطباعة و النشر.
- ابن طاووس، رضی الدين على بن موسى بن جعفر (١٤١٦ق)، *التشريف بالمنن في التعريف بالفتن المعروف بالملاحم والفتن*، قم، مؤسسة صاحب الأمر عليه السلام.
- ابن عطية اندلسي، عبد الحق بن غالب (١٤٢٢ق)، *المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز*، بيروت، دارالكتب العلمية.
- ابن كثير دمشقي، اسماعيل بن عمرو (١٤٠٨ق)، *البدايه والنهاية*، بي جا، نشر دار احياء التراث العربي.
- ابن مشهدي، محمد بن جعفر (١٤١٩ق)، *المزار الكبير (لابن المشهدي)*، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- ابوالفرج، عبدالرحمن بن علي ابن جوزي (١٤٢٢ق)، *زاد المسير في علم التفسير*، بيروت، دار الكتاب العربي.
- اردبيلي غروي، محمد بن علي، *جامع الرواة*، قم، مكتبه محمدي.
- اندلسي، ابو حيان محمد بن يوسف (١٤٢٠ق)، *البحر المحيط في التفسير*، بيروت، دار الفكر.
- بحراني، هاشم بن سليمان (١٤١٦ق)، *البرهان في تفسير القرآن*، تهران، بنياد بعثت.
- _____ (١٤١٣ق)، *مدينة معاجز الأئمة الإثني عشر ودلائل الحجج على البشر*، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية.
- بغدادى، علاء الدين على بن محمد (١٤١٥ق)، *لباب التأويل في معاني التنزيل*، بيروت، دار الكتب العلمية.
- بيضاوى، عبدالله بن عمر (١٤١٨ق)، *أنوار التنزيل وأسرار التأويل*، بيروت، دار احياء التراث العربي.
- ثمالى ثابت بن دينار، ابو حمزه (١٤٢٠ق)، *تفسير القرآن الكريم (ثمالى)*، بيروت، دار المفيد.
- جزائري، نعمت الله بن عبد الله (١٤٢٧ق)، *رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار* عليهم السلام، بيروت، مؤسسة التاريخ العربي.
- جوادى أملى، عبدالله (١٣٩١ش)، *تسليم تفسير قرآن كريم*، تحقيق محمد فراهانى، قم، مركز نشر اسراء.
- جوينى، على بن محمد (١٤٠٠ق)، *فرائد السمطين في فضائل المرتضى والتول والسبطين والأئمة من ذريتهم*، بيروت، مؤسسة المحمودى للطباعة و النشر.

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، نشر آل البيت.
- _____ (۱۴۲۵ق)، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت، اعلمی.
- _____ (۱۴۱۸ق)، الفصول المهمة فی أصول الأئمة عليهم السلام، تحقیق و إشراف: محمد بن محمد الحسين القائینی، قم، نگین.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه سید غلامرضا خسروی حسینی، بیروت، دار العلم الدار الشامیة.
- راوندی، ابو الحسین قطب الدین (۱۴۰۹ق)، الخرائج والجرائح، قم، نشر مدرسه امام مهدی عليه السلام.
- طبری، ابی جعفر محمد بن جریر (بی تا)، دلائل الإمامة، قم، دار الذخائر للمطبوعات.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی.
- سعادت پرور، علی (۱۳۷۹ش)، ظهور نور- ترجمه الشموس المضيئه، تهران، نشر احیای کتاب.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۶ق)، تفسیر الجلالین، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات.
- _____ (۱۴۰۴ق)، الدر المشور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شافعی المصری، محمد بن علی الصبان (۱۳۵۶ش)، اسعاف الراغبین فی سیرة المصطفی وفضائل أهل بيته الطاهرين، بی جا، المطبوع بهامش نور الأبصار.
- شبر، عبد الله (۱۴۰۷ق)، الجوهر الثمین فی تفسیر کتاب المبین، کویت، مكتبة الألفین.
- حسینی استرآبادی، شرف الدین (۱۴۰۹ق)، تأویل الآیات الظاهرة، قم، انتشارات جامعه مدرسین قم.
- شیبانی، احمد بن حنبل (بی تا)، مسند احمد، بیروت، دار صادر.
- صدر، محمد (۱۳۸۴ش)، تاریخ پس از ظهور (تاریخ ما بعد الظهور)، ترجمه حسن سجادی پور، تهران، نشر موعود عصر.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (بی تا)، علل الشرائع، قم، انتشارات مكتبة الداوری.
- _____ (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا عليه السلام، بی جا، انتشارات جهان.
- _____ (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمة، قم، دار الکتب الإسلامیة.
- صفار، محمد بن حسن بن فروخ (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله

- مرعشى .
- طبرسى، ابو منصور احمد بن على بن ابى طالب (١٤٠٣ق)، *الإحتجاج على أهل اللجاج*، مشهد، نشر مرتضى .
- طبرسى، فضل بن حسن (١٣٧٢ش)، *مجمع البيان فى تفسير القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو .
- طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن (١٤١١ق)، *كتاب الغيبة*، محققين عبادالله الطهرانى و على احمد ناصح، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية .
- عياشى سمرقندى، محمد بن مسعود (١٣٨٠ق)، *تفسير العياشى*، تهران، المطبعة العلمية .
- فيروزآبادى، مرتضى (١٣٩٢ق)، *فضائل الخمسة من الصحاح الستة*، تهران، اسلاميه .
- كشى، محمد بن عمر (١٣٤٨ق)، *رجال الكشى*، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه .
- كلينى رازى، محمد بن يعقوب بن اسحاق (١٣٦٥ش)، *الكافى*، تهران، دار الكتب الإسلامية .
- لاهيجى، محمد بن على شريف (١٣٧٣ش)، *تفسير شريف لاهيجى*، تهران، دفتر نشر داد .
- مازندرانى، محمد بن اسماعيل (بى تا)، *منتهى المقال*، قم، آل البيت .
- مجلسى، محمدباقر (بى تا)، *مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول*، تهران، دار الكتب الإسلامية .
- _____ (١٤٠٤ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليه السلام*، بيروت، مؤسسة الوفاء .
- مقدسى الشافعى، يوسف بن يحيى على بن عبدالعزيز (١٤١٦ق)، *عقد الدرر فى اخبار المنتظر*، نشر نصاب، قم، انتشارات مسجد مقدس جمكران .
- مكارم شيرازى، ناصر و جمعى از نويسندگان (١٣٧٤ش)، *تفسير نمونه*، تهران، دار الكتب الإسلامية .
- مناوى، عبد الرؤوف (١٤١٥ق)، *فيض القدير شرح الجامع الصغير*، تصحيح أحمد عبد السلام، بيروت، نشر دار الكتب العلمية .
- حائرى تهرانى، مير سيد على (١٣٧٧ش)، *مقتنيات الدرر و ملتقطات الثمر*، تهران، دار الكتب الاسلاميه .
- نجفى، سيد بهاء الدين (١٤٢٠ق)، *منتخب الأنوار المضيئة*، قم، اعتماد .
- نعمانى، محمد بن ابراهيم (١٣٩٧ق)، *الغيبة للنعمانى*، تهران، مكتبة الصدوق .
- هندى، علاء الدين المتقى بن حسام الدين (١٤٠٩ق)، *كنز العمال*، ضبط و تفسير: الشيخ بكرى حيانى / تصحيح وفهرسة: الشيخ صفوة السقا، بيروت، مؤسسة الرسالة .
- يزدى حائرى، على (١٤٢٢ق)، *إلزام الناصب فى إثبات الحجة الغائب عليه السلام*، بيروت، مؤسسة الأعلمى .